

## متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناله‌الفداء



بسم الله الرحمن الرحيم

امروز به تاریخ قمری که ما وقایع جهان خودمان را، یعنی جهان اسلام را با آن در نظر می‌گیریم و حتی آنقدر اهمیتی به آن می‌دهیم که ایرانی‌ها هم قبل از اسلام، خودشان آن تاریخ شمسی را می‌گرفتند، ولی در بعد از چیز، بعد از تصرف قشون اسلام که آمدند ایران را گرفتند، ایرانی‌ها هم تقویم قمری را اعلام کردند و ایران تقریباً هردو تقویم را نگاه داشت. ... خب عید نوروز و آن... سه روز یا پنج روز حساب کنند، اینها از زمان ایران قبل از اسلام است. اما وقایعی از قبیل خب عزای امروز است، فرقی هم نمی‌کند، چون برای خداوند تمام روزهای سال و تمام شبها یکی است. ما هم اگر هم به یادبود بزرگواری‌ها و عظمت اسلام و عظمت شمشیردار و بیرق‌دار اسلام یعنی علی علیه‌السلام را حساب کنیم، چون خود آنها هم به روزهای قمری حساب می‌کردند ما هم باید به... امروز نوزدهم یا بیستم ماه رمضان است، در این روز وقایعی که امروز به آن مناسبت عزاداری می‌کنیم در این روز... در واقع ما این عزاداری را بخاطر این لطمه‌ای که دشمنان اسلام بر مسلمین و بر ایرانی‌ها بخصوص زدند این را یادآوری می‌کنیم. همان کسانی که در ضلّ علی علیه‌السلام جنگ می‌کردند به قصد اسلام، همان کسان در اثر تبلیغات حکومت عمر، یعنی حکومت معاویه و بعد از... آنها تبدیل شدند به یک حکومت مثل حکومت استبدادی در زمان قبل از اسلام. منتها با این تفاوت که در دوران اسلام آنچه که ایرانی‌ها یا هر مسلمانی می‌گرفتند از روی اعتقاد و واقعیت اعتقادی خودشان بود. یعنی درواقع مردم دو دسته شدند، مردم دو دسته شدند، هیچکدام این به اصطلاح روی قتل و روی کشتار اختلاف نداشتند، حرف نمی‌زدند. مثلاً آقای... مثلاً به این چیزها حساب کنیم آقای... طرفداران معاویه و طرفداران حکومت غیر از علی، حکومت بعد از علی را فکر می‌کردند، هرکدام فقط بر فکری بودند، آن برتری قوم و خویشی خودشان. مثلاً همان قطامه یا قطام، پدرش از طرفداران علی (ع) بود و در رکاب آن حضرت بود، به نحوی که حتی تواریخ هم نوشته‌اند... می‌گوید پدر اینها که در رکاب حضرت بود و بعد برگشت، بعد از... و شد مخالف حضرت و البته خودش هم... برای اینکه قطامه، قطام یا قطامه، مؤثر بود، آن نبود... بله ولی منظور در جنگ این اثر را داشت که از راه فریب مردم، چجوری فریب می‌دهند. همین قطامه که دختر آن مخالف علی بود، عبدالرحمن ابن ملجم را... کرده بود و به او نگفت که پدرم و عمویم، راست هم می‌گفت، پدرش و عمویم و چند نفر از دوستانش، همه دوستانش، در لشکر مخالف علی بودند و به فرمان علی علیه‌السلام تا توانستند مردم اینها را ترک کردند، به این جهت هم آنها هم برگشتند و دشمنی علی را به گردن گرفتند. نه آن اعتقاد اولیه‌شان درست بود، یعنی سر جای خودش بود، نه اعتقاد دوم، اصلاً مسئله اعتقاد و دیانتی نبود در...، او چون تمام قوم و خویشان را که جزء کفار بودند، مسلمان نشده بودند کشت، دشمن شد با علی که چرا قوم و خویشان مرا کشتی، ولی عین همین وضعیت در زمان اسلام اگر واقع شد، یعنی در اثر، مثلاً در اسلام می‌گویند، جنگهای فراوانی بود، در یکی از این جنگها

که داستانش هم در مثنوی نوشته، این قشون علی علیه‌السلام به سرکردگی آن پیرمردهایی که... و در آن زمان علی علیه‌السلام خیلی جوان بود، عربها فکر نمی‌کردند که یک جوان اینقدر شجاع باشد، ولی چون آنها اعتقاد مذهبی نداشتند، اعتقاد به اینکه خداوند آن عظمت خودش را در صورت علی ظاهر کرد، علی را به صورت علی، به صورت فرزند یک پدر می‌دانستند، ولی مسلمین همه پدرها را ساخته دست حضرت... پدرهای ما... تحت فرمان علی می‌دانستند. به هرجهت آنها، آن فرمانده وقتی شنید که علی علیه‌السلام هم آمده به جنگ، به لشکر، اینرا... پیغام فرستاد برای علی که من و پدر تو با هم رفیق بودیم، یعنی خودش را هم‌شان پدر علی می‌دانست... و من دلم نمی‌خواهد با تو بجنگم، ما دو تا با هم، برو که نجنگیم و من نمی‌خواهم که تو به دست من کشته بشوی. علی (ع) پیغام فرستاد؛ من، برای من بالاتر از وجود شخص تو، عظمت اسلام است، با تو جنگ می‌کنم، افتخار من هم این است که با تو جنگ کنم، چون خیلی شجاع و مشهور بود، عمرو ابن عبدود که می‌گویند همین بود. اگر با یک قوم و خویشی چیز می‌شد تفاوت نمی‌کرد، بسیاری از اعرابی که پدرشان، مادرشان که جزئی از کار و ... بودند، در جنگها کشته شده بودند همه اینها بدست علی بودند. ... اینکه دست علی در مورد انتقام... ولی وقتی اینها هم نباشد، رحمت حق بدست علی ظاهر می‌شود. یک اشتباهی هم که ممکن است آنها یا همه بکنند... علی را بعضی‌ها، دستش را شمشیر بدست می‌بینند و شمشیری که همه را از دم... می‌کند. به ... می‌گوییم در هر جنگی علی علیه‌السلام وقتی شمشیر می‌زد تا هفتاد پشت آن شخص را می‌دید، به اصطلاح هفتاد پشت، یعنی تا چند پشت، اگر در آنها مؤمنی، مسلمانی موجود بود او را رد می‌کرد. یا اینکه... او را رد می‌کرد... و حال آنکه بواسطه دشمنی، شاید بیشتر از آنچه که همه ... مسلمان بدست علی کشته دادند به اندازه‌ای نباشد که علی علیه‌السلام همان‌ها را کشت. خداوند به اینها لقب شهید داد، ولی به آنها در همان ... ، علی (ع) وقتی که جنگ صفین را بصورت مصاحبه‌ای که شد، درآمد و در واقع جنگ تمام شد، دیگر جنگی نبود، در آن صورت خاندان ملجم مرادی (ابن ملجم) مصمم شدند که انتقام کشته شدن خاندان خودشان، برادر و عمو و همه اینها، اینها را بگیرند و تمام توجه آنها متوجه علی (ع) بود، چون شمشیر علی(ع) اگر... به هر جا رو می‌کرد اگر کافری بود یا بقول خودش... شمشیر او با هر نوع که روبرو می‌شد و... تا هفتاد پشت او را می‌دید و چندین چیز را نگاه می‌کرد، اگر در پشت او یک نفر مسلمان می‌دید، از پشت او، معذالک بخاطر همان یک مسلمان تمام آنها را رها می‌کرد. در چنین وضعیتی بود که علی (ع) بعد از آنکه معاویه با حيله‌بازی گفت: حق به جانب من است، فرمود؛ بزرگان خودش... بزرگی مثل شریح قاضی، قاضی‌ای بود بسیار معتقد و مؤمن و کارگزار و با همه بزرگواری‌هایی که داشت ولی بزرگواری... کمر او را شکست و نفهمید چه می‌کند، خودش را هم‌شان علی(ع) دانست و خودش را به دنبال انتقام از علی(ع) ... از آن طرف علی(ع) محافظ، به طریق امروزی‌ها محافظی نداشت، یعنی خودش تنها می‌آمد به... و می‌آمد نمازهایی که باید بخوانند به انفرادی و قسمتی دست‌جمعی می‌خواندند... نمازی که، نمازی مثل اینکه مستحب است، آن وقت... علی(ع) درواقع مستحب بود. علی (ع) آماده بود همه قشون را، چون با معاویه هنوز جنگ داشتند، حضرت... قشون جمع کرد که حمله کند. همه لشکرش آماده بودند، همه لشکر... و علی آماده بود که بیاید به نماز. در بین نماز داستانی هست که می‌گوید،

یعنی داستان نه، واقعیت، ... جمعیت و عده‌ای خب قبلاً زودتر آمده بودند، منتظر که علی (ع) بیاید... عبدالرحمن ابن ملجم خوابیده بود رو به خاک، که حضرت فرمود در همان ایام که هیچ وقت رو به خاک نخوابید، خوابهای ... ولی ... تا علی مشغول نماز شد، در بین نماز شمشیر خودش را، شمشیر را که پنهان داشت در زیر بدنش، جسارت کرد و فاجعه‌ای که ما هنوز... این فاجعه چیزی نیست که با هزارسال، دوهزارسال فراموش شود، این فاجعه دشمنی‌ئی بود نسبت به تمام مسلمین و بلکه تمام جمعیت ایران و مسلم. این کار را کرد و... ولی جسارت شد... خودشان می‌خواستند، به خیال خودشان کار خیری می‌کنند، می‌گفتند ما از طرف قوم و خویشان خودمان جنگ می‌کنیم و برای دیه آنها و جبران آنها... البته این کار را کرد و فرار کرد، فرار از بین جمعیت، چنان فشرده بود که اینرا نگذاشتند امکان فرار برای او، او را گرفتند، اول بازجویی هم که از او شد خودش اقرار کرد به اینکه من کردم و بخاطر... خلیفه و مقام دیگر خلیفه را می‌خواستند... او را گرفتند و متهم بود و نگه‌داشتند که بعد... منتها قشونشان که به ریاست معاویه بود، ادامه داد، ادامه دادند، جمعیت را جمع کرد و علیه تمام حقایق را پنهان داشت. ما درواقع این واقعه... از ضربت خوردن حضرت علی (ع)، یعنی در همان حمله‌ای که آن ابن ملجم کرد که حضرت در بستر خوابیدند، سه روز خوابیده بودند... همه اطبا آمدند، دیدند، همه هم... آن ملعون... به خیال خودش شاد بود و می‌گفت بی‌خود دنبال درمان علی نروید، برای اینکه زهری که من پیدا کردم، زهر را، شمشیر خود را با این زهر آلوده کردم و زهری که... موجب می‌شود که خون و بدن آلوده می‌شود و دیگر از این زهر رهایی ندارد، از این سم. حضرت خب... اما از... بزرگ و... مسلمین و بخصوص ایرانی‌ها هنوز هم نگرانیم، هنوز هم عزاداریم، تا آخر عمر هم عزادار خواهیم ماند.

علی (ع) رهبریش از معنویت مسلمین بود، از اول تا آخر. بعد از شهادت [ضربت]، علی بستری شد و تا خاتمه حیات خودش در بستر بود. در همان بستر هم که می‌بود حضرت، کوتاهی نمی‌کرد از بیاناتی که... و خودش و فرزندانش. می‌فرمود که حقایق را به مردم برسانید، البته همه این حقایق زیر نظر اسلام بود و درواقع علی (ع) اگر نبود اسلام... در دنیا مرجع اول حکومت است و علی گرچه...

ان شاءالله ما هم در هرکاری، در هر مقامی باشیم، تا دم مرگ یاد آن وقایعی خواهد آمد و... یادبودش این جور وقایع برای... به یاد بیاورند و از حکومت علی درس یاد بگیرند... ان شاءالله.

